

رابطه علم با فرهنگ و تمدن اسلامی از دیدگاه شهید مطهری قدس سره

حمید حسین نژاد محمدآبادی

یکی از الطاف الاهی به انسان عقل و قوه تفکر است که در پرتو آن به علم و معرفت دست پیدا می‌کند و دیگر این که حس کنجکاوی و شناخت بهتر جهان و دستیابی به زندگی آسان، عامل ایجاد تمدن بشری است.

در این مقاله پس از تبیین معنای علم، که از نظر استاد مطهری رحمه الله «علم سیستمی است از فرضیه‌ها و نتایجی که از آن، یا در پرتو تجربه و یا بر بنیاد اصول منطق گرفته می‌شود» می‌باشد، مشخص می‌شود که مراد از علم در این بحث، علوم تجربی، اعم از طبیعی و انسانی است. نویسنده به ذکر معنای فرهنگ از دیدگاه استاد می‌پردازد که از نظر وی «فرهنگ مجموعه اندوخته‌های معنوی، فکری، روحی، عقلی، اخلاقی و اجتماعی یک قوم است» و از طرفی، مفهوم تمدن را از نظر استاد جعفری که تمدن عبارت است از: تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت را، ارائه می‌دهد. شهید مطهری رحمه الله در تفاوت تمدن و فرهنگ می‌نویسد: «تمدن، جهانی و فرهنگ ملی است» نویسنده به این نکته اذعان دارد که تمدن و فرهنگ در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، و فرهنگ زیربنای تمدن به شمار می‌آید، ولی با این حال، به تعبیر استاد مطهری، علم با فرهنگ مساوی نبوده و با آن فرقهایی دارد.

نکته اساسی که این مقاله به آن اشاره دارد این که اسلام خود سازنده فرهنگ و تمدن است و علم و دانش پایه اصلی این فرهنگ و تمدن غنی است. شهید مطهری رحمه الله زنده نگاه داشتن دین را به اقامه فرهنگ اسلامی دانسته و بیان می‌کند که، فرهنگ اسلامی دارای یک روح خاص می‌باشد و از اصالت و شخصیت مستقل و از حیات ویژه‌ای برخوردار است. وی عامل این حیات را توصیه‌های مؤکد قرآن کریم و روایات درباره علم و فراگیری آن دانسته است. به تعبیر ایشان، یکی از دلایلی که تمدن و فرهنگ اسلامی به سرعت بالید و رشد کرد، همین توصیه‌ها و نیز این که در راه یادگیری علم و فن تعصب نمی‌ورزیدند، و علم و دانش را در هر کجا و نزد هر کسی بود فرا می‌گرفتند، می‌باشد. ایشان به نمونه‌هایی از توصیه‌ها، چه در قرآن کریم و چه در روایات، و این که به فراگیری علم تشویق کرده و جهل و نادانی را مذمت کرده‌اند پرداخته است. مؤلف نیز به این نکته اشاره دارد که علم دو جنبه دارد؛ یکی این که قدرت و توانایی است و بهترین وسیله و ابزار زندگی است، دیگر این که علم، بالذات از آن جهت که نور می‌باشد شریف و مقدس است و شرافت ذاتی دارد. اینکه ملائکه الاهی بعد از آن که مقام علمی آدم روشن شده، مأمور شدند که آدم را سجده کنند. ملائکه به علم از نظر وسیله و ابزار نگاه نمی‌کنند و این بهترین دلیل قداست ذاتی علم از نظر دین است و در پایان به علل متروک ماندن دستورات اسلام در زمینه ضرورت فراگیری علم اشاره می‌شود که از آن جمله می‌توان به تلقی نشدن علم به صورت یک فریضه اشاره کرد که علت اصلی عملی نشدن فریضه علم، نیز طرز تفسیر فقهی مسأله است. و در اتمام این بحث می‌توان گفت که اسلام خود دارای فرهنگ غنی و سازنده تمدن‌های بزرگ بشری است که همه آنها در سایه توجه به علم و دانش، پی بردن به ارزش آن، سخت کوشی و تلاش در کسب آن و عمل به دستورات اسلام و پیشوایان دینی محقق شده است.

منابع:

بازتاب اندیشه ۱۳۸۵ شماره ۸۳